



تحلیل ساختارمند معنای زندگی بر محور عشق

مبثنی بر آرای علامه جعفری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۱

فاطمه عبدالله پور سنگچی^۱

مهران رضائی^۲

چکیده

چالش‌های دوران مدرن و پسامدرن در باب معنای زندگی منشأ بسیاری از آسیب‌های روحی انسان معاصر شده است. عشق به عنوان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم دینی-انسانی می‌تواند نقشی اساسی در حل این معضلات داشته باشد. مسئله پژوهش حاضر این است که بر اساس آراء علامه جعفری (در مقام یکی از متفکران دینی اخیر)، معنای زندگی با محوریت عشق چگونه بازتیین می‌شود؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، معنای زندگی عاشق تابعی است از ارزش معشوق؛ هر چه معشوق متعالی‌تر باشد، زندگی عاشق متعالی‌تر خواهد بود. عشق مجازی و عشق حقیقی تأثیرات متفاوتی بر معنای زندگی دارند. همچنین نقش عشق در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر معنابخشی به زندگی نیز قابل بررسی است. بین عشق و «باورمندی به خدا» در بحث معنای زندگی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. از حیث ارتباط عشق و «هدف»، عشق مجازی علاوه بر این که می‌تواند ابزاری برای وصول به «عشق حقیقی» باشد، همچنین مرتبه، شأن و پرتویی از آن است. علاوه بر این مؤلفه‌ها، تناسب وثیقی وجود دارد بین «مرتبه وجودی انسان و سطح کمال» با «نوع و سطح عشق». در رابطه عشق و «هنر»، تصورات گوناگون افراد از معنای زندگی می‌تواند هنرهای متفاوتی را تولید کند. اثر هنری توأم با عشق حقیقی منشاء تعالی در جامعه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

معنای زندگی، فلسفه حیات، عشق، دین، علامه جعفری

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه

مازندران، بابلسر، ایران. (f.abdollahpoor97@gmail.com)

۲. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

(m.rezaee@umz.ac.ir)



Systematic Analysis of the Meaning of Life Based on Love from Allameh Ja'fari's Viewpoint

Fatemeh Abdullahpour Sangchi¹

Reception Date: 2021/08/16

Mehran Rezaee²

Acceptance Date: 2022/03/31

Abstract

The modern and postmodern challenges regarding the meaning of life have been recognized as the root of many mental harms in contemporary human beings. Love as one of the most fundamental religious-humane concepts can significantly contribute to the resolution of such challenges. Speaking of the research question, the present study, using the descriptive-analytical method, attempts to figure out how the meaning of life based on love can be re-defined in accordance with the views of Allameh Ja'fari (as one of the recent religious thinkers). According to the research findings, the meaning of lover's life is commensurate with the beloved's value; the more sublime the beloved is, the more sublime the lover's life will be. Virtual love and real love have different effects on the meaning of life. When it comes to the meaning of life, there is a bilateral relationship between love and "belief in God". As for the connection between love and "purpose", virtual love can not only serve as a tool for reaching the "true love", but can be recognized as the representative of its dignity and its manifestations. In addition to these components, there is a close-knit relationship between the "human existential and perfection levels" and the type and level of love. As for the relationship between love and "art", people's perceptions of the meaning of life can generate different arts. Combined with real love, any artwork can serve as a source of excellence and perfection in society.

Keywords

Meaning of Life, Philosophy of Life, Love, Religion, Allameh Ja'fari

-
1. M.A. Graduate in Theoretical Foundations of Islam, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (f.abdollahpour97@gmail.com)
 2. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author) (m.rezaee@umz.ac.ir)

۱. مقدمه

معنای زندگی دغدغه‌ای است که در دوران متأخر به آن توجه فلسفی و نظام‌مند شده است، ولیکن بشری که همواره در حال حیات بوده، از همان ابتدا به اصل زندگی خود و به تبع به مفهوم معنای زندگی توجه داشته است. در طول سال‌ها و قرن‌ها، از منظر اندیشمندان و مکاتب مختلف، متغیرهای گوناگونی به عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده معنای زندگی مطرح شده است. در غالب مکاتب و آثار، به یک مؤلفه برای تبیین معنای زندگی بسنده نشده و مؤلفه‌های مختلف ملاک قرار گرفته‌اند، ملاک‌هایی که گاهی همپوشانی داشته یا همراستا بوده‌اند. در این میان عشق یکی از مؤلفه‌هایی است که در تحلیل معنای زندگی بعضاً مورد بررسی قرار گرفته است.

امروزه بسیاری از مردم این باور را پذیرفته‌اند که دل‌بستگی مشتاقانه و پرحرارت یگانه چیزی است که به زندگی ارزش زیستن می‌دهد (سینگر ۱۳۹۹، ۵۷). در گفتمان‌های دینی متقدم، کمتر از اصطلاح معنای زندگی بهره می‌گرفتند، هرچند در خلال سایر عناوین و مباحث آن را تحلیل کرده‌اند. همچنین بحث مستقل عشق در برخی مکاتب و مذاهب دینی دغدغه متفکران بوده، ولی تأکید خاص بر آن به عنوان یک مؤلفه معنابخش به زندگی (به تبع اصل بحث معنای زندگی که کمتر مورد توجه بوده) نیز غالباً مغفول بوده است. یکی از اندیشمندان اسلامی معاصر که به مسئله معنای زندگی توجه ویژه داشته علامه جعفری است. ایشان در کتب مختلف، مانند حیات معقول (جعفری ۱۳۸۹-ج)، فلسفه و هدف زندگی (جعفری ۱۳۷۹)، ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل (جعفری ۱۳۹۹)، به بحث مهم معنای زندگی پرداخته است. همچنین، بر مبنای آرای ایشان کتب و مقالات دیگری نیز در موضوعات مرتبط نگاشته شده است، مانند کتاب آری‌گویی به زندگی (نصری ۱۳۹۶) و مقاله بررسی و تحلیل معناداری زندگی از دیدگاه علامه جعفری مبتنی بر انسان‌شناسی دینی (خدری ۱۳۹۳).

موضوعی که در این آثار کمتر مورد عنایت بوده (و جنبه نوآورانه این پژوهش به حساب می‌آید)، جایگاه عشق در مسئله معنای زندگی است، پدیده‌ای شگرف که یکی از اساسی‌ترین مفاهیم دینی-انسانی است و امروزه نیز شاید مهم‌ترین کلیدواژه مشترک در ادبیات دینی و ادبیات انسان‌های معاصر (به خصوص جوانان دهه‌های کنونی) باشد. چالش‌های دنیای مدرن و پسامدرن در مسئله معنای زندگی (که منشأ مشکلات و بیماری‌های فراوان روحی و روانی بوده است) و نقشی که عشق می‌تواند در راستای بهبود

این اوضاع و حل این معضلات ایفا کند، ضرورت نهایی ای است که پژوهشگران حاضر را به سمت این موضوع کشانیده است.

بر پایه آنچه بیان شد، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که از منظر علامه محمدتقی جعفری (در مقام یکی از اندیشمندان برجسته و دغدغه‌مند در دوران معاصر)، معنای زندگی با محوریت عشق چگونه بازتبیین می‌شود؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که در آن گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تتبع در آثار علامه جعفری صورت پذیرفته است. در راستای پاسخ به مسئله اصلی، پژوهش از دو بخش کلی تشکیل شده است: در بخش ابتدایی، نگاه مستقل به جایگاه عشق در معناداری بیان می‌شود؛ در بخش دوم، تلاش شده جایگاه عشق در معناداری به زندگی در مقایسه با سایر مؤلفه‌های مؤثر در معناداری مورد بررسی قرار گیرد.

۲. تبیین جایگاه عشق در معناداری به زندگی بر اساس انواع عشق

منظور از معناداری زندگی این است که هدف واقعی از زندگی معلوم شده باشد و کل زندگی یا بخش معتدبیهی از آن در راستای هدف قرار گرفته باشد. بنابراین اگر کسی برای زندگی اش هدفی واقعی تشخیص نداده باشد یا زندگی اش را به سمت آن هدف واقعی سوق نداده باشد، زندگی اش معنادار نیست (سلیمانی امیری ۱۳۸۲، ۱۰۳). معنا ممکن است از عشق به یک موجود کامل یا از جهت‌گیری زندگی انسان به سمت آن موجود به شیوه‌های دیگر ناشی شود، مانند شبیه بودن به آن و یا حتی تحقق بخشیدن به هدف آن، شاید هدفی که خاص هر فرد است (متس ۱۳۹۶، ۳۶۶).

عشق معمولاً عاطفه‌ای نیرومند تلقی می‌شود که متضمن وابستگی شدید به یک متعلق و ارزش‌گذاری بالای آن است (حسینی ۱۳۹۸، ۹۷). علامه جعفری معتقد است که عشق دریایی فوق‌تعیینات و جریان‌ات عالم هستی است، دریایی است که قدم عقل در آنجا می‌شکند (جعفری ۱۳۸۹-الف، ۵۰).

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است در جریده عالم دوام ما

(حافظ ۱۳۸۸، ش ۱۱)

عشق دو نوع است: عشق مجازی و عشق حقیقی. عشق مجازی احساس لذتی است محدود برای کامیاب شدن خودِ طبیعی. این لذت به بهای سقوط و تباهی جان و «شخصیت» آدمی تمام می‌شود (جعفری ۱۳۸۹-ب، ۱۷۶). اما عشق حقیقی آن هنگام است که عشق از لجن‌زار شهوت‌پرستی بالا می‌رود و هویتِ عشقِ حقیقی پیدا می‌کند

(جعفری ۱۳۹۳، ۶۲). عاشق، که در پی خیر و خوبی نامنفک از زیبایی معشوق است، می‌خواهد همیشه «از آن او باشد». بدین سان، عشق عنوانی می‌شود برای هر گونه کوشش و تقلائی که انگیزنده عمل انسان است (حسینی ۱۳۹۸، ۱۱۶).

حال این سؤال پیش می‌آید که حساسیت و ارزش عشق از چه چیز ناشی می‌شود؟ به نظر می‌رسد این ارزش مربوط به آن حقیقتی است که متعلق عشق (معشوق) قرار می‌گیرد، نه خود پدیده عشق وقتی متعلق آن یک حقیقت ارزشمند نیست. برای توضیح این مطلب، عشق را این گونه تعریف می‌کنیم: عشق رهایی و آزادی مطلق عاشق از هر چیزی است که ارتباطی با معشوق او ندارد. بدیهی است که این رهایی و آزادی در نتیجه وابستگی بسیار شدید به آن حقیقتی به وجود می‌آید که معشوق قرار گرفته است. این موضوع هم کاملاً روشن است که پدیده عشق همه شخصیت عاشق را با همه استعدادها و قوای مغزی و روانی وابسته معشوق می‌کند. به عبارت کوتاه‌تر، عاشق با همه شخصیت خود تسلیم جاذبه معشوق می‌شود (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۱۳۴).

در واقع مبتنی بر این نظر علامه جعفری، سه چیز باید از هم تفکیک شوند که برای تحلیل بهتر، آنها را به شرح زیر نمادگذاری می‌کنیم:

S: عاشق

A: پدیده عشق ورزیدن

M: معشوق (متعلق عشق)

بر اساس توضیحات پیش گفته، A (پدیده عشق ورزیدن) عبارت است از رهایی و آزادی مطلق S (عاشق) از هر چیزی غیر از M (معشوق). یعنی تمام توجه S متمرکز بر M می‌شود. وقتی M مرکز توجهات S قرار می‌گیرد، تمام زندگی و معنای حیات S آکنده از M می‌شود. معنای زندگی S، M خواهد بود (معشوق و منزلت آن معناگر زندگی عاشق است). در نتیجه، معنای زندگی عاشق تابعی است از ارزش معشوق.

هر چه بیرون از M باشد از توجه و زندگی S خارج خواهد بود و در مسیر زندگی S امری بی‌اهمیت محسوب خواهد شد. در جهان S (عاشق)، M محور همه چیز است. اگر هر چه غیر M است را با نماد M' نشان دهیم، غیر Mها (M'ها) چند دسته خواهند بود:

الف. M'های نامرتب با M: غیر Mهایی که در رابطه‌ای که S بین خود و M تصور می‌کند هیچ شأن و جایگاهی ندارند یا، به عبارت دیگر، مانع و یا موافق M نیستند. این امور برای S هیچ ارزشی ندارند و S در مسیر زندگی‌اش هیچ توجهی به آنها نمی‌کند.

مانند جوانی که هیچ علاقه‌ای به ورزش تنیس ندارد، اخبارش را پیگیری نمی‌کند، از کنار فینال مسابقات بین‌المللی به راحتی می‌گذرد و اصلاً برایش اهمیتی ندارد، عاشق (S) نیز همین گونه است؛ M' های غیرمانع هیچ ارزشی برایش ندارند.

ب. M' های مرتبط با M ، که به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

ب-۱. M' های همسو با M : غیر M' هایی که یاری‌رسان S در تحقق و تحصیل M هستند. روشن است که S هر چه بیشتر از این موارد بهره می‌برد.

ب-۲. M' های ناهمسو با M : غیر M' هایی که مانع رسیدن به M هستند، یا با رسیدن S به M تضاد دارند. S با این موارد مبارزه خواهد کرد و سعی در برطرف کردن M' های مانع در مسیر زندگی‌اش خواهد کرد.

می‌توان گفت تمام جهان S (عاشق)، از $M + M'$ تشکیل شده است. ای بسا، در برخی اقسام و حالات عشق (که در ادامه بیان خواهد شد)، حتی خود S نیز ذیل همین $M + M'$ تعریف شود.

بر همین اساس، سخن علامه جعفری بهتر فهم می‌شود که M (معشوق، متعلق عشق) چگونه در زندگی عاشق اثرگذار است و همین M است که ارزش A (پدیده عشق) را تعیین می‌کند. هر چه M متعالی‌تر، A متعالی‌تر. به دیگر سخن، ارزش عشق تابعی از ارزش معشوق است. از دیدگاه هلم نیز، عشق تمرکز و توجه دقیق نسبت به یک شخص بر حسب تعریف متقابل یکدیگر است و تقریباً تمام جنبه‌های شخصی خویشتن فرد را تابع این فرآیند می‌کند (هلم ۱۳۹۴، ۲۳).

۲-۱. عشق حقیقی در برابر عشق مجازی

با بررسی آثار علامه جعفری و تتبع در آنها، مواردی از تمایزات عشق حقیقی و مجازی و تأثیر آن در معنای زندگی به شرح ذیل قابل احصا و تبیین است.

۲-۱-۱. تجاذب طرفینی در عشق مجازی و جذب یکطرفه در عشق حقیقی

در عشق مجازی، تجاذب از طرفین عشق است، یعنی همان گونه که عاشق در جاذبه معشوق قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند معشوق نیز در جاذبه او قرار بگیرد. و اگر معشوق خواسته عاشق را در نظر نگیرد، در حقیقت، به شخصیت او اهانت کرده است (جعفری ۱۳۹۱، ۶۳). در عشق مجازی عاشق می‌کوشد تا از هر راهی به معشوق نزدیک شود و انتظار پاسخگویی از معشوق را نیز دارد. در واقع «خود» را درگیر هوی و هوس و لذت‌های

محدود و فانی می‌کند، اما در عشق حقیقی عاشق صرفاً به سمت معشوق کشیده می‌شود و انتظار خاصی از معشوق خود ندارد.

ما عاشق آدم‌های دیگر می‌شویم، و منطقی است که انتظار داشته باشیم این عشق‌ها متضمن تقابل و دوسویگی باشند (حسینی ۱۳۹۸، ۱۰۱). عاشقان علائق، نقش‌ها، فضایل و صفات دیگر خود را با هم سهیم می‌شوند تا از دو هویت منفردی که قبلاً وجود داشت یک هویت مشترک بسازند، و این کار را تا حدی این گونه انجام می‌دهند که هر یک به دیگری اجازه می‌دهد نقش مهمی در تعریف هویتش ایفا کند (هلم ۱۳۹۴، ۲۳).

۲-۱-۲. انحصارطلبی در عشق مجازی و سخاوتمندی در عشق حقیقی

عشق مجازی رقابت‌بردار نیست، زیرا در عشق مجازی، عاشق انحصارطلب و خودخواه است و می‌خواهد معشوق را در انحصار بگیرد. ولی در قلمرو عشق حقیقی و حقایق بزرگ، اولین حقیقت خداست. آدمی می‌خواهد همه رهروان این عشق باشند. انسان می‌خواهد همه در مورد عشق به زیبایی‌های معقول، عشق به حقایق، عشق به علم و معرفت، عالم و عاشق به علم باشند (جعفری ۱۳۹۴-ب، ۲۱۵). در عشق مجازی، عاشق با خودخواهی تمام، معشوق را فقط برای خود می‌خواهد و می‌خواهد معشوق فقط منحصر به خودش باشد، اما در عشق حقیقی، عاشق می‌خواهد که در راه این عشق همه با او همراه باشند و معشوقش را بیرستند، زیرا حقیقت معشوق خود را بالاتر از این می‌بیند که فقط در انحصار او باشد.

۲-۱-۳. محوریت خودِ طبیعی عاشق در عشق مجازی و محوریت معشوق در عشق حقیقی

در عشق مجازی، خودخواهی عاشق به طور جدی مطرح است و او را به حرکت و فعالیت درمی‌آورد، حتی اگر تا سر حد خودکشی پیش برود. این در حالی است که در عشق حقیقی، «خود» از نظر عاشق ناپدید می‌شود (جعفری ۱۳۹۱، ۶۴). در عشق حقیقی، «خود» در مسیر تحول تکاملی قرار می‌گیرد (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۶۴). آدمی در عشق مجازی با هدف‌گیری لذت «خودِ طبیعی» به فعالیت می‌افتد؛ در عشق حقیقی، هدف‌گیری مزبور موجب سقوط عاشق به درجات پست می‌شود (جعفری ۱۳۹۱، ۶۳). به همین سبب است که معنای زندگی و، بر همین اسلوب، سبک زندگی عاشق در عشق حقیقی و مجازی متفاوت است. در عشق مجازی، هدف اصلی خودِ S (عاشق) است (خودِ طبیعی S)، در حالی که در عشق حقیقی، S فراموش می‌شود و فقط M مرکز توجه است. توجه به خودِ طبیعی S ، عاشق را از M حقیقی دور می‌کند.

البته دقت شود که علامه اینجا «خود طبیعی» را مطرح کرده است. توضیح این که از منظر علامه خودِ طبیعی اداره‌کننده تشکیلات کالبد جاندار است که همه جانوران در آن مشترک‌اند و این «خود» برای انسان «من مجازی» است. «من عالی» انسان که رو به خیر و کمال است و صیانت ذات را در مسیر تکامل رهبری می‌کند «من حقیقی» آدمی است (جعفری ۱۳۹۲-الف، ۱۹۸). «من» انسان، از راه تکامل عقلی و قلبی، از «خود طبیعی» می‌گذرد و به «من ملکوتی» راه می‌یابد. این «من ملکوتی» است که شایستگی اشراف واقعی به جهان هستی را نصیب شخص می‌سازد (جعفری، ۱۳۹۱، ۳۳). مولوی این حرکت را چنین بیان کرده است:

از جمادی مُردم و نامی شدم
مردم از حیوانی و آدم شدم
وز نما مُردم، به حیوان سر زدم
پس چه ترسم؟ کی ز مردن کم شدم؟
(مولوی ۱۳۷۳، دفتر سوم، بخش ۱۸۷)

چنین است که علامه جعفری، در عشق مجازی، زندگی را بر محور «خود طبیعی» عاشق می‌داند، در حالی که در عشق حقیقی «خود عاشق»، در طریق حیات معقول، در مسیر معشوق (M) قرار می‌گیرد. عشق مجازی یعنی عشق به صورت، آن هم برای هدفی که موتور محرکه‌اش خودخواهی است، یعنی عاشق می‌خواهد که معشوق زیبا متعلق به او باشد. در رقابت، بر مبنای این عشق‌ها، چه خون‌ها که ریخته نشده و چه کینه‌ها که در تاریخ به وجود نیامده است (جعفری ۱۳۹۴-ب، ۲۱۴).

عشق حقیقی مستقیماً و منحصراً متوجه معشوق است. کسی که چنین عشقی می‌ورزد پاداش را در خود عشق می‌یابد، حال آن که چشمداشت پاداش دیگر، عشق را تاجرانه می‌سازد (حسینی ۱۳۹۸، ۱۲۹ و ۱۳۰). کسی که عشق حقیقی در وجودش پدیدار گشت غرق در معشوق حقیقی می‌گردد. در چنین عشقی، عاشق انتظار پاسخگویی از معشوق را ندارد و همین که چنین عشق واقعی و حقیقی‌ای در دل دارد برای او کفایت می‌کند و احساس رضایتمندی دارد.

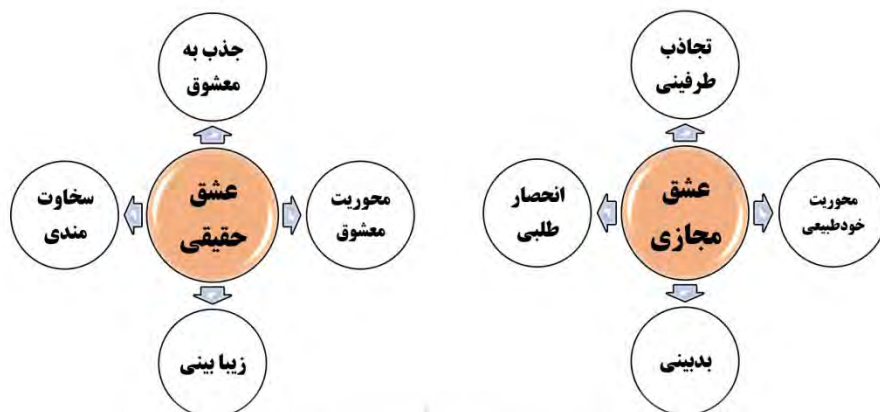
۲-۱-۴. بدبینی در عشق مجازی و زیبایینی (وارزش یافتن زندگی) در عشق حقیقی

در عشق والا (حقیقی)، همه اجزا و پدیده‌های طبیعی و واقعیات و ثابت‌های فوق‌نمود طبیعی، به ذهن آدمی «خوب» را «زیبا» تلقین می‌کند (جعفری ۱۳۹۳، ۶۲). این تأثیری که عشق والا می‌گذارد سبب می‌شود معنای زندگی برای فرد از محور «خود طبیعی» به سمت «حیات معقول» کشیده شود و ذیل آن «خوب» به «زیبا» تغییر شأن بدهد. بر همین اساس

است که انسانِ واجد «عشق والا» زیبایی را در عالم می‌بیند؛ و چه بسا در اوج عشق والا، انسان همه چیز را زیبا می‌بیند. این تسری زیبایی از ذهن به عین، ذیل قدرت عشق، معنای زندگی را توسعه می‌دهد و حیات انسانی را واجد جایگاهی اجل از حیات طبیعی می‌کند. اگر بتوانیم معنای عشق حقیقی را که فوق جذب شدن به یک زیبایی است درک کنیم، بسیار ارزشمند خواهد بود. عشق در معنای حقیقی آن انواعی از نگرش‌ها را درباره موضوع عشق (متعلق عشق، معشوق، M) به وجود می‌آورد (جعفری ۱۳۹۳، ۶۳). عشق حقیقی در انسان شوری ایجاد می‌کند و او را به تکاپو وامی‌دارد و از هر راهی که بتواند او را به محبوب وصل گرداند غافل نمی‌ماند و در این راه عاشق همه وجودش را خرج معشوق می‌کند و این است خاصیت عشق حقیقی و چنین است تأثیر آن در معنای زندگی. تمام همت عاشق در زندگی معطوف به معشوق خواهد بود. چه بسا در همین فرآیند، زندگی فرد (که پیش از عشق، زندگی‌اش تهی از معنا یا کم‌ارزش می‌نمود)، پس از عاشق شدن، واجد ارزش شود، همه چیز را ارزشمند و زیبا ببیند و هیجان عاشقانه زندگی او را سرشار از معنا کند.

میزان ارزش‌بخشی انسان‌ها در عشق، بیش از اندازه ارزشی است که در ارزیابی آن فرد آشکار می‌شود. عاشق به معشوق خود می‌نگرد و می‌اندیشد که زیباترین مخلوق در کل زمین است و حتی اگر عیب و نقص هم داشته باشد، عاشق آن را هم دوست دارد، چون متعلق به معشوقش است (سینگر ۱۳۹۹، ۶۸). در عشق مجازی به دلیل این که نوع رابطه مادی و جسمانی است، چه بسا عدم دستیابی مادی به معشوق موجب سرخوردگی شدید و تهی شدن زندگی از معنا شود. انحصارطلبی در عشق مجازی سبب می‌شود که چنانچه معشوق نصیب فرد دیگری غیر از عاشق شود (چه بسیار که در عمل چنین چیزی اتفاق می‌افتد)، عاشق تحمل نکند و زندگی خود را دچار بن‌بست ببیند، نومید شود و در نهایت رفتارهایی ناهنجار (مانند آسیب به فرد دیگر، یا آسیب به معشوق و یا حتی آسیب به خود) از او سرزند. در عشق مجازی، حتی در صورتی که عاشق به وصال معشوق برسد نیز همواره با احتمال از دست دادن معشوق خود به تمام اطراف خود بدبین است.

تمایزات پیش‌گفته بین عشق حقیقی و عشق مجازی، بر مبنای بحث معنای زندگی، در قالب دیاگرام زیر نشان داده شده است:



سخنانی که تاکنون از علامه جعفری بیان شد، و به نوعی می‌توان چنین از آنها برداشت کرد که از منظر علامه «عشق مجازی پدیده‌ای صرفاً جسمانی، طبیعی و نازل است»، به نظر قابل نقد می‌رسد. در ادامه در این مورد توضیحات بیشتری می‌آید. همان گونه که بیان خواهد شد، از خلال آرای علامه جعفری می‌توان دریافت که (با توجه به بحث اهداف نسبی و بحث کمال و جسمانیة الحدوث و اشتدادی بودن وجود انسانی)، عشق مجازی مرتبه و شأنی از عشق حقیقی است.

۳. تبیین جایگاه عشق در معنادهی به زندگی در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها

کسانی که نمی‌دانند چه چیزی زندگی‌شان را معنادار یا معنادارتر می‌کند، نمی‌دانند چه چیزی به زندگی‌شان اهمیت و ارزش بیشتری می‌بخشد. افرادی که زندگی‌شان را با معنا می‌دانند، کسانی هستند که فکر می‌کنند در زندگی‌شان بخش‌های ارزشمندی نیز وجود دارد (لاندوا ۱۳۹۹، ۱۴). علامه جعفری برای معنادهی به زندگی علاوه بر عشق، مؤلفه‌های دیگری را نیز مطرح می‌کند. او انسان را منحصر در یک مرتبه وجودی و صرفاً با یک هدف و معنای زندگی نمی‌داند. در تحلیل علامه جعفری، یک حرکت تشکیکی و تکاملی برای معنای زندگی ذیل حرکت تکاملی و اشتدادی خود انسان در مسیر حیات معقول قابل استخراج است.

۳-۱. گزارش اجمالی از مؤلفه‌های معنابخشی به زندگی از منظر علامه جعفری

بحث تفصیلی از همه این مؤلفه‌ها فرصت مستوفایی می‌طلبد، ولی به اقتضای رعایت اختصار در نگارش مقالات و با توجه به این که مسئله اصلی این پژوهش «نقش عشق در

معنابخشی به زندگی» است، در این بخش گزارش اجمالی از مؤلفه‌های مختلف داده می‌شود تا مقدمه‌ای باشد برای بحث رابطه عشق با سایر مؤلفه‌های معنابخشی به زندگی.

۳-۱-۱. باورمندی به خدا و دین‌داری

علامه جعفری دین را مهم‌ترین منبع معنابخش به زندگی معرفی می‌کند و معتقد است وقتی «کل مجموعه حیات» سیمای خود را به کسی نشان می‌دهد، دین مافوق هدف‌هایی نمودار می‌گردد که آدمیان از پاره‌پاره‌های حیات می‌جویند (جعفری ۱۳۷۹، ۴۶). در دین تقرب به ذات الهی مهم‌ترین هدف آدمی معرفی شده و انسان باید تمام تلاش خود را در رسیدن به این هدف عالی قرار دهد.

ذات بینش دینی عبارت است از ایمان به وجود طرح و هدف در عالم، ایمان به این که جهان یک نظام اخلاقی است و ایمان به این که در نهایت همه چیز به خیر و خوشی تمام می‌شود (استیس ۱۳۸۰، ۱۱۳). احساس ابدیت و شکوفا ساختن روح با فرض این که رنگی از حیات محیطی گرفته و انسان را در خود فروبرده است، آن اندازه می‌تواند روشنگر فلسفه و هدف حیات انسانی باشد که نور فوق‌العاده روشنی چشمان ماهی غوطه‌ور در دریا را خیره بسازد و این خیرگی بتواند فلسفه و هدف دریا را به او نشان بدهد (جعفری ۱۳۷۹، ۳۱). نکته جالب توجه در این بیان علامه جعفری مرتبط ساختن «باورمندی به خدا و احساس ابدیت» با معرفت و در نتیجه توأم شدن زندگی با معناست. علامه جعفری با اشاره به آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶)، مقصود از «عبادت» را برقرار ساختن ارتباط اختیاری با خداوند می‌داند که عبادت‌های مقررشده متمرکز ساختن قوای روحی برای احساس همیشگی لزوم ارتباط با خداست (جعفری ۱۳۸۹-ج، ۹۵).

متداول‌ترین و اثرگذارترین تبیین خدابنیاد از معنا در زندگی این است که هر چه انسان به هدفی که خدا مقرر کرده است بهتر تحقق بخشد وجودش بامعناتر است. نظر رایج این است که خدا برای جهان طرحی دارد و زندگی انسان تا آن اندازه بامعنا است که او به خدا برای تحقق بخشیدن به این طرح احتمالاً به شیوه خاصی که خدا از انسان می‌خواهد کمک می‌کند. تحقق بخشیدن به هدف خدا از روی انتخاب تنها منشأ معناست (متس ۱۳۹۶، ۳۶۳).

۳-۲. هدف نهایی و اهداف نسبی

علامه جعفری به مسئله معنا و هدف در زندگی توجه ویژه‌ای داشته تا آنجا که معتقد است شکل‌گیری حیات انسان در پرتو هدفی است که در زندگی انتخاب می‌کند. در بحث از معنا و هدف زندگی، بیش از هر چیز هدف اصلی و نهایی زندگی مورد توجه بوده و به عنوان کانون معناداری زندگی مورد بحث است. در واقع، هدف و غایت مجموعه افعال ارادی انسان را به دو نوع متمایز می‌توان تقسیم کرد: (۱) هدف نهایی (هدف اعلا، هدف اصلی)؛ (۲) اهداف میانی و واسطه‌ای (هدف‌های تکاملی نسبی) (جعفری ۱۳۶۱، ۱۱: ۲۸۳). زندگی هدفدار هیچ مطلق دیگری جز هدف اعلائی زندگی نمی‌شناسد و کلیات و مطلق‌های دیگر را وسایلی برای آن مطلق تلقی می‌کند (جعفری ۱۳۷۹، ۱۲۱): این از ویژگی‌های یک زندگی هدفدار است، زندگی‌ای که به سمت هدفی والا در حرکت است.

انتخاب هدف‌های نسبی لازمه حیات طبیعی محض است و این اهداف پاسخگوی هدف نهایی زندگی نیست. با شناخت هدف نهایی زندگی حیات به عنوان یک واقعیت بسیار با عظمت برای انسان‌ها مطرح می‌شود. حیات بدون انتخاب هدف نهایی آن همان پدیده ناچیزی خواهد بود که پیرو قوانین طبیعی محض است، مانند حیات در گیاهان و حیوانات (جعفری ۱۳۶۸، ۱۰: ۲۹۵). توجه به این تبیین علامه جعفری، یک ملاک و سنجش جهت تمایز سبک‌های زندگی و معنای زندگی انسان‌های مختلف ارائه می‌دهد. بر مبنای این سخن علامه، می‌توان بیان داشت که هدف‌ها در صورتی به زندگی ارزش می‌دهند که در راستای هدف نهایی باشند. به دیگر سخن، اگر فردی اهداف نسبی‌اش در راستای هدف نهایی بود، حائز زندگی انسانی و با معنای انسانی خواهد بود، در غیر این صورت (یعنی چنانچه اهداف نسبی زندگی‌اش در راستای هدف نهایی نباشد)، زندگی این فرد خالی از معنای انسانی است و صرفاً در مسیری حیوانی و طبیعی قدم برمی‌دارد.

بسیاری از انسان‌ها هم درباره هدف، جهت یا مقصد زندگی‌شان کنجکاوند یا می‌پرسند برای چه زندگی می‌کنند، اما آنها به دنبال هر هدفی نیستند، بلکه هدف باارزشی را می‌جویند. وقتی آنها هدف باارزشی داشته باشند، در واقع هدف یا مقصدی را یافته‌اند که زندگی را با معنا می‌کند یا چیزی دارند که برای رسیدن به آن زندگی می‌کنند. مفهوم وسیله-هدف به خودی خود برای داشتن یک زندگی با معنا کافی نیست، اگر هدف به اندازه کافی باارزش نباشد، نیازی به برآورده شدن آن نیست (لاندوا ۱۳۹۹، ۱۹). چیزی که موجب تردیدی گریزناپذیر در مورد اهداف محدود زندگی فردی است، موجب تردیدی گریزناپذیر

در مورد هر مقصود بزرگ‌تری می‌شود که این احساس را برانگیزد و تقویت کند که زندگی معنادار و هدفمند است (نیگل ۱۳۸۲، ۱۰۰).

۳-۱-۳. کمال‌جویی

کمال‌جویی انسان نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های زندگی معنادار است، البته در صورتی که در مسیر جاذبه الهی قرار بگیرد و زندگی انسان را در مسیر یک حیات هدفدار و متعالی پیش ببرد که نهایت آن رسیدن به حیات معقول است. از منظر علامه جعفری، حس کمال‌جویی و اعتدال‌طلبی انسان صرفاً با قرار گرفتن در جاذبه الهی متوقف می‌شود (جعفری ۱۳۷۹، ۱۲۱). بدون قرار گرفتن در جاذبه کمال، جمال عالم‌آرای حق قابل شهود نیست، و بدون این شهود، نوری وجود ندارد تا جهان هستی دیده شود و مورد میل قرار گیرد (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۶۷).

برای بی‌معنا یا کم‌معنا دیدن زندگی باید آن را شبیه زندگی‌ای ببینیم که مملو از ارزش‌های ناکافی است. به عبارت دیگر، کسانی که زندگی را بی‌معنا می‌بینند احساس می‌کنند که یک شکاف بین انتظارات و واقعیت وجود دارد: یک شکاف بین درجه ارزشی که زندگی دارد و درجه ارزشی که واقعاً وجود دارد (لانداو ۱۳۹۹، ۲۷۶).

۳-۱-۴. لذت

لذت از دیگر مواردی است که به مثابه مؤلفه معنا بخش به زندگی مطرح است. البته علامه جعفری بین لذات مادی و لذات روحی تفکیک قائل می‌شود. از منظر ایشان، لذا لذت نفسانی زودگذر و فانی است، در صورتی که لذت روحی پایدار و نامحدود است. در این پایدار و نامحدود بودن نیز هیچ‌گونه کسالت و یکنواختی وجود ندارد، زیرا انسان می‌تواند سرمنشأ فعالیت بی‌نهایت درباره وصول به یک هدف بی‌نهایت باشد، و در نتیجه لذت بی‌نهایت را به همراه خواهد داشت (جعفری ۱۳۹۲-ب، ۲۸۲). تعبیر «لذت بی‌نهایت» کلیدواژه‌ای اساسی در بحث معنای زندگی و سعادت است. به اجمال و اشاره، در تفسیر فلاسفه اسلامی از سعادت غایی انسان، لذت عقلانی به عنوان لذت مداوم و بی‌پایان، محور اصلی است.^۱

از منظر برخی، فارغ از بحث فهم کلی از سعادت و هدف زندگی، لذت می‌تواند مؤلفه‌ای اساسی در معنادگی به زندگی باشد. می‌توان با پذیرش و تسلیم به هرچیزی که قابل اجتناب نیست، انتظار امر محال نداشتن و شاکر دلخوشی‌های کوچک بودن، با رضایت تمام زندگی کرد (استیس ۱۳۸۰، ۱۲۳).

۳-۱-۵. محبت

مؤلفه معنابخش دیگر محبت است. علامه قائل است که رهبران روحی ما در امتداد قرون و اعصار، درباره تفسیر محبت اشتباه بزرگی کرده‌اند که تا از آن اشتباه برنگردند هیچ چاره‌ای برای دردهای انسان‌سوز بیگانگی از انسان‌ها وجود نخواهد داشت. اینان باید اصالت محبت را در درون آدمیان به یکدیگر اثبات کنند و به هر طریق واقع‌جویانه‌ای که ممکن است، انسان‌ها را به داشتن این سرمایه حیات‌بخش آگاه کنند. با این موفقیت عظیمی که فراتر از همه موفقیت‌های انسانی است می‌توانند ادعا کنند که نه تنها درمانی برای دردهای مهلک بشری پیدا کرده‌اند، بلکه زندگی انسانی روی زمین را آغاز کرده‌اند (جعفری ۱۳۵۸، ۴: ۳۲). این تبیین دو نکته قابل ملاحظه داشته است. اولاً این که بر همین اساس، چه بسا از نظر علامه جعفری، گرایش به محبت جزو امور فطری و مشترک بین همه انسان‌ها باشد. ثانیاً اگر محبت جایگاه اصلی‌اش را در زندگی بشر بازیابی کند، بحران‌های فراوان در زمینه معنای زندگی برای بشر امروزی به شکل اساسی بهبود خواهد یافت. با توجه به قرابت و ارتباط تنگاتنگ مسئله عشق با محبت، این توجه ایشان می‌تواند در فهم نقش عشق در معنای زندگی بسیار حائز اهمیت باشد که در ادامه در بخش مربوطه بحث خواهد شد.

۳-۱-۶. هنر و زیبایی

علامه جعفری هنر را محصول عالی عمل سازندگی مغز یک انسان در برداشت‌های عقلانی و شهودی خود از خویشتن، خدا، جهان هستی و هم‌نوع انسانی برای توصیف واقعیت‌ها «آنچنان که هستند»، یا ارائه واقعیت‌ها «آنچنان که باید باشند» می‌داند (جعفری ۱۳۹۲-الف، ۴۰۶). بر اساس همین تعریف است که بر مبنای هر گونه تصویری از معنای زندگی، نمودار و تبلور آن در هنر نیز متفاوت خواهد بود، چه در مقام تحلیل هستی‌شناختی زندگی و عالم و چه در مقام بایستگی زندگی. خروجی هنری که متکی بر زیبایی‌های حقیقی و اصیل عالم (زیبایی‌های معنوی و گذر از زیبایی‌های ظاهری) باشد، ایجاد تغییر مثبت در مسیر زندگی جامعه بشری است.

هر اثر هنری که با انگیزه «حیات معقول» در جامعه پدیدار می‌شود، نه تنها یک پدیده جالب و برطرف‌کننده ملالت‌ها و افسردگی‌های زندگی طبیعی محض است، بلکه موجی از خود «حیات معقول» است که این حیات را در دیگر افراد جامعه تقویت کرده، طعم آن را به ذائقه همگان می‌چشاند (جعفری ۱۳۸۹-ج، ۱۳۶). تأثیرگذاری آثار برجسته هنری که با روح کمال‌طلب بشری توأم شده و زیبایی‌های حقیقی را نمایان می‌کنند، از

همین قسم است. هر چه تولیدکننده اثر، با مؤلفه‌های زندگی و حیات معقول بیشتر گره بخورد، به تعالی زندگی جوامع بشری بیشتر کمک خواهد کرد.

۲-۳. نقش عشق در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر معنابخشی به زندگی

در این بخش از پژوهش، در راستای کشف مشهودتر مقام عشق در معنای زندگی، رابطه این مؤلفه اساسی در معنادهی به زندگی را در مقایسه با سایر مؤلفه‌های معنادهی بررسی می‌نماییم.

۱-۲-۳. رابطه عشق با مؤلفه باورمندی به خدا و دین‌داری در معنادهی به زندگی

برای وصول به واقعیات جهان هستی، تنها با روشنایی دین می‌توان حرکت کرد که با عنایت خداوند سبحان است، و این حقیقتی است که

غیر این معقول‌ها، معقول‌ها یابی اندر عشق با فرّ و بها

(مولوی ۱۳۷۳، دفتر پنجم، بخش ۱۳۷)

منظور از این عشق، همان صفای باطن انسانی است که به برکت طهارت از آلودگی‌ها و خودمحوری‌ها در انسان به وجود می‌آید. برای کسانی که سر به بالا دارند و می‌خواهند از ملکوت هستی رهسپار کوی الهی شوند، دست عنایات الهی بر چشمان آنان سرمه می‌کشد و بینایی و ابتهاج به آنان می‌بخشد (جعفری ۱۳۹۴-ج، ۲۰۶).

با اطمینان به خداوند و اعتقاد به او، همه افکار منفی و پوچ از ما زدوده می‌شود و طعم واقعی و حقیقی زندگی معنادار را خواهیم چشید، زیرا می‌دانیم که خداوندی که ما را آفریده است خود بهترین حامی و پشتیبان ما در زندگی است و ما را به حال خود رها نمی‌کند و اگر ما عشق حقیقی به معبود داشته باشیم، خداوند هم ما را مورد لطف و رحمت خود قرار می‌دهد و با عشق و باورمندی به خدا، زندگی انسان نیز رنگ‌وبوی خاصی خواهد گرفت.

اگر عشق و انجذاب به خدا حقیقی باشد، نه تمایلات زودگذر و نه تخیلات بی‌اساس و نه بازیگری‌های خوشایند ذهنی، پیش از آن که در انسان سالک عشق و جذب آغاز شود، محبوب فیاض وی را مورد عنایت و لطف الهی قرار داده است که آن نیز در نتیجه سعی و مجاهدت ابتدایی سالک یا مجاهدت‌های بعد از آن بوده است (یعنی مجاهدت‌هایی که در نتیجه اعتقاد و اعتماد به خدا حاصل می‌شود). هنگامی که سالک به مقام والای عشق و انجذاب توفیق یافت، خداوند رثوف و مهربان او را مورد عنایت و لطف قرار می‌دهد (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۲۵۰).

بر اساس تحلیل‌های حاضر از علامه جعفری، بین عشق و باورمندی به خدا در بحث معنای زندگی، رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. از سویی اعتقاد صحیح به خدا عشق حقیقی را در پی دارد که زندگی را پرمعناتر می‌کند. از دیگر سو، عشق حقیقی خود تقویت‌کننده باورمندی به خدا است که هر چه این اعتقاد قوی‌تر شود زندگی سرشارتر از معنا می‌گردد. خدا نه فقط تعالی می‌بخشد بلکه همان عشق است، قبل از همه باید به خودش عشق ورزید. از منظر خدا حرکت عشق، که به عنوان علم به تکون عالم و به راه نجات بروزی می‌یابد، نوعی ظهور است (حسینی ۱۳۹۸، ۱۲۷).

۳-۲-۲. رابطه عشق با مؤلفه هدف نهایی و اهداف نسبی در معنادهی به زندگی

اگر انسان در زندگی خود اهدافی داشته باشد که وصول اول به آن برایش کمال باشد و زندگی‌اش را برای وصول به آن اهداف سامان دهد، زندگی‌اش معنا دار خواهد شد (سلیمانی امیری ۱۳۸۲، ۱۰۹). انسان باید در انتخاب درست هدف نهایت دقت را داشته باشد زیرا انتخاب هر هدفی ما را به هدف اعلا نزدیک نمی‌کند. علامه جعفری معتقد است که انسان گاهی هدفی را تعقیب می‌کند و تلاش شدید برای رسیدن به آن می‌کند، ناگهان در مسیر همان هدف، به حقیقتی بسیار والاتر از آن هدف نائل می‌گردد که تکاپو برای هدف منظور وسیله‌ای برای رسیدن به آن حقیقت تلقی می‌شود (جعفری ۱۳۸۹-ب، ۱۱۷).

با الهام از این سخن علامه جعفری، می‌توان در بحث عشق هم نگاهی ویژه به هدف و رابطه‌اش با اقسام عشق داشت، بدین نحو که چه بسا هدف فردی عشقی زمینی باشد و این عشق را در راستای عشق الهی قرار دهد، در همین حین، به حقیقتی بالاتر که همان عشق به ذات حقیقی است دست یابد که در اینجا عشق زمینی وسیله‌ای برای رسیدن به عشق الهی می‌شود.

مؤید این برداشت سخن صریح خود علامه جعفری در کتاب عرفان اسلامی است. از نظر ایشان، این که آیا عشق مجازی می‌تواند راهی برای عشق حقیقی باشد چنین تبیین می‌گردد که اگر منظور این مطلب باشد که «انسان آگاه با نظاره عمیق در صورت زیبا و لطیف و ظرافت‌های عمیق آن به درون خود برگشته و عامل درک زیبایی و لطف آن صورت را در درونش مشاهده نموده و از همان شهود روانه جمال اعلا الهی شود»، پاسخ مثبت است. زیرا پای عاشق در این فرض در گل صورت زیبا که عارضی چندروزه است فرو نمی‌رود. اما اگر مقصود این باشد که «عاشق از همان صورت زیبا، بدون دریافت معنی و علت اصلی آن، می‌تواند راهی پیشگاه جمال الهی شود»، اگرچه این حرکت محال

نیست، ولی به قدری در اقلیت است که حکم استثنا را دارد (جعفری ۱۳۹۱، ۶۲). تلفیق بحث عشق با مبحث هدف نهایی و اهداف نسبی می‌تواند چشم‌انداز دیگری در باب جایگاه عشق مجازی در مقابل ما قرار دهد. می‌توان از لابلای سخنان علامه، به نکته دیگری نیز نائل آمد. با توجه به تفسیر ارائه‌شده در بخش مستقل مربوط به هدف نهایی و اهداف نسبی، می‌توان قائل بود به تلفیق جنبه «وسیله بودن» اهداف نسبی با جنبه «شأنی از هدف عالی بودن». علامه جعفری، اهداف نسبی را صرفاً «وسیله» نمی‌داند، بلکه آنها را بُعد و بخشی از اهداف عالی نیز می‌داند. اگر «وسیله بودن» برای اهداف نسبی لحاظ شود، مقام آنها در حد ابزار و آلات پایین می‌آید، ولی علامه جایگاه «اهداف نسبی» را بالا برده و آنها را صرفاً وسیله نمی‌داند، بلکه برای آنها شأنی از حقیقت عالی و نهایی قائل است. بر این اساس، چه بسا عشقی زمینی، اگر در مسیر هدف الهی قرار گیرد، مرتبه، پرتو و شأنی از عشق حقیقی (که عشق به خداست) را برای عاشق متبلور نمایند. بر اساس همین تحلیل، می‌توان نکته ابتدایی پیش‌گفته را مجدداً مورد تأکید قرار داد. این برداشت از علامه جعفری که ایشان عشق مجازی را صرفاً امری ناپسند و پست بدانند، مورد نقد است، بلکه عشق مجازی نیز شأن و جایگاه ویژه‌ای می‌تواند داشته باشد. عشق مجازی هم ابزار و هم مرتبه و هم پرتویی از عشق حقیقی است.

از نکات قابل ملاحظه در این بحث، ارتباط وثیق میان مؤلفه هدف و مؤلفه باورمندی به خدا و دین‌داری در معنای زندگی است. علامه جعفری، معنای زندگی را در پرتو هدف نهایی که عقلانی و الهی است تفسیر می‌کند. ایشان معتقد است که هدف نهایی زندگی آرمان‌های زندگی‌گذران را با آب حیات اصول عقلانی-الهی رویاندن و شخصیت از خاک برخاسته را به وسیله آگاهی از جان پاک که متصل به آهنگ کلی هستی است، از چنگال جبر عوامل طبیعت و خودخواهی نجات دادن و شخصیت را آزادانه در جاذبه ربوبی قرار دادن است (جعفری ۱۳۶۸، ۱۰: ۳۲۷). به عبارت دیگر، مقصود از هدف اعلائی زندگی شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است که یکی از عناصر تعریف «حیات معقول» محسوب می‌شود (جعفری ۱۳۸۹-ج، ۹۳).

۳-۲-۳. رابطه عشق با مؤلفه کمال‌جویی در معنادگی به زندگی

در عشق حقیقی این فقط عاشق است که در جاذبه کمال مطلق معشوق حقیقی قرار می‌گیرد و نیاز روح خود را با ورود در این جاذبه مرتفع می‌سازد و انصاف به کمال را در آن می‌بیند، زیرا کمال خداوندی بی‌نهایت است و هیچ نیاز و علتی برای کشیده شدن به جاذبیت غیر خودش ندارد. اگر عشق حقیقی باشد، معشوق که کمال مطلق است، با ادامه

جذبه، بر رشد و کمال عاشق می‌افزاید، نه عشق مجازی که نیروی اصیل حیات را می‌گیرد و جز لذتی محدود و مخلوط و زودگذر نمی‌دهد (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۶۶).

در عشق مجازی، عاشق از هر راهی برای رسیدن به معشوق استفاده می‌کند و می‌خواهد به او نزدیک شود و همچنین معشوق هم باید در این راه پرفرازونشیب او را همراهی کند، وگرنه این عشق با شکست مواجه می‌شود. اما در عشق حقیقی، عاشق فقط معشوق را می‌بیند و از دیدن این همه زیبایی و عظمت شگفت‌زده می‌شود و همواره در تکاپوست تا به خدا نزدیک‌تر شود که در این صورت پله‌پله در مراتب کمال پیش می‌رود.

هر حقیقتی که معشوق آدمی قرار گیرد، بنا به تسلیم و وابستگی نهایی به آن معشوق، رکود و جمود و در نتیجه سقوط از کمال را به دنبال می‌آورد، جز خداوند جمیل و جلیل و کمال اعلا که عشق به او موجب حرکت و گسترش «من انسانی» بر همه عرصه هستی شده، اختیار و فعالیت را که از اوصاف کمال است در انسان تقویت می‌کند (جعفری ۱۳۹۴-الف، ۱۳۴). به دیگر سخن، همان‌گونه که قبل از این تبیین شد، علامه گره ایجاد می‌کند بین متعلق عشق و معنای زندگی و قائل است که کامل‌ترین موجود باید متعلق عشق قرار گیرد تا خود سبب کمال بیشتر شود. در عشق من انسان به خدا، تمایلات طبیعت انسان آشکار می‌شود. در این عشق اتکا به نفس ساکن در هر موجودی و تقلا برای اکمال خود با تمنای شدید خدا ترکیب می‌شود. فاعل چنین عشقی انسان است، موجودی اندیشنده و دارای موهبت آزادی در تصمیم‌گیری (حسینی ۱۳۹۸، ۱۲۳).

۳-۴. رابطه عشق با مؤلفه لذت در معنادهی به زندگی

لذت به عنوان یکی دیگر از عوامل معنادهی به زندگی با عشق گره می‌خورد. زیرا انسان عاشق از عشق (چه مجازی باشد و چه حقیقی)، لذت می‌برد و همیشه شور و هیجان خاصی دارد و برای او نشاط‌آور است که زندگی همراه با عشق را تجربه می‌کند و این چنین عشق با لذت ادغام و موجب معنادهی به زندگی می‌شود.

چنانچه با دقت در لذت بنگریم و آن را همان‌گونه که علامه جعفری منقسم به لذات مادی و لذات معنوی نمود (جعفری ۱۳۹۲-ب، ۲۸۲) مورد بررسی قرار دهیم، متوجه این نکته خواهیم شد که عشق مجازی، گرچه غالباً لذات مادی در پی دارد، با توجه به این که عشق مجازی در مواردی خودش مرتبه و شأنی از عشق حقیقی است، می‌توان بیان داشت که هر چه عشق مجازی در مسیر عشق حقیقی پیش برود و شأنت بیشتری کسب کند، تبلور بیشتری در قالب لذات معنوی خواهد داشت و سبب کشش بیشتر در فرد

عاشق خواهد شد. به دیگر سخن، فرد هر چه از عشق حقیقی بیشتر بهره ببرد، لذت معنوی شدیدتری کسب می‌کند و زندگی را شیرین‌تر و پرمعنا تر می‌یابد.

۳-۲-۵. رابطه عشق با مؤلفه محبت در معنادهی به زندگی

محبت مؤلفه دیگری است که از منظر علامه جعفری در معنادهی به زندگی تأثیر دارد. ایشان در این باب بیانی دارد که بسیار ارزشمند است. طبق نظر ایشان، هر کس به مقدار و کیفیت شخصیتی که دارد می‌تواند محبت کند و عشق بورزد. شخصیت حیوانی چیزی جز محبت و عشق حیوانی تولید نمی‌کند؛ عشق و محبت انسانی به یک شخصیت انسانی نیازمند است. این اصل به عشق و محبت منحصر نیست، بلکه تمام شئون یک فرد، از حیث پوچ بودن یا با ارزش بودن، تابع شخصیت آن فرد است (جعفری ۱۳۹۵، ۳۸۹).



شکل ۱. نسبت «مرتبۀ وجودی انسان» با نوع و سطح «عشق»

از این تبیین علامه جعفری دقت بسیار ارزشمندی قابل کشف است و آن این که از همین مجرا کمال گره می‌خورد با شخصیت و در ادامه با عشق. توضیح این که در حکمت متعالیه، انسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء است و در این مسیر این وجود انسان است که اصالت و اهمیت دارد، مانند هر موجود دیگری که در او وجود اصیل است (ملاصدرا ۱۳۶۰، ۹۵). انسانی که جسمانیة الحدوث است، در یک مسیر تکاملی و

اشتدادی از مراتب پایین وجود، که مادی است، اندک‌اندک رشد می‌کند و به مرتبه نفس نباتی و سپس نفس حیوانی می‌رسد و سپس چنانچه همچنان تکامل یابد، می‌تواند به مرتبه نفس انسانی برسد (ملاصدرا ۱۳۶۳، ۴۹۸-۵۰۰؛ ۱۳۵۴، ۲۲۵).

حال، بر اساس این دیدگاه‌ها و با عنایت به سخنان علامه جعفری می‌توان گفت که تناسب وثیقی وجود دارد بین «مرتبه وجودی انسان و سطح بهره او از کمال» با نوع و سطح محبت و عشقی که فرد مبتلا به آن می‌شود. انسان مادامی که در مرتبه حیوانی است، محبت و عشق او نیز نمی‌تواند انسانی باشد. اقتضای شخصیت حیوان محبت و عشق حیوانی است، و اقتضای شخصیت انسان محبت و عشق انسانی، و به تبع آن معنای زندگی این افراد نیز متفاوت خواهد بود.

۳-۶. رابطه عشق با مؤلفه هنر و زیبایی در معنادگی به زندگی

مطلوبیت هنر از قدیم‌ترین دوران زندگی انسانی واقعیت ثابت دارد، هرچند که میلیاردها انسان و ده‌ها تمدن و فرهنگ و جوامع متنوع، چونان مهمانان چندروزه در خوان گسترده طبیعت، از این مهمان‌سرا درگذشته‌اند (جعفری ۱۳۹۳، ۲۳۸). بر این اساس، از منظر علامه جعفری، گرایش به هنر و زیبایی امری فطری است. حال چنانچه این نکته را در معیت آن لحاظ کنیم که هنر و زیبایی خود می‌تواند منشأ آغاز عشق یا تشدید آن شود، نقش آن در طول ادوار بشری در بحث معنای زندگی نمود بیشتری می‌یابد.

در همین راستا می‌توان به سر سخنان علامه جعفری که در بحث مستقل از هنر و زیبایی تبیین شد پی برد، که چگونه تصورات افراد از معنای زندگی می‌تواند هنرهای متفاوتی را تولید کند. اثر هنری‌ای که توأم با عشق حقیقی و حیات معقول گردد منشأ تحولات مفید و تعالی در جامعه خواهد بود. خروجی این تدقیق و تفکیک را می‌توان در سینمای مبتنی بر سناریوهای عاشقانه با محور عشق مجازی (که در بسیاری از صنایع و شرکت‌های سینمایی رواج دارد) مشاهده نمود. اگر این محوریت عشق مجازی در هنر، با عشق حقیقی که با جنبه کمال‌طلب انسانی (و ارزش‌های والای انسانی و الهی) عجین‌تر است جایگزین شود، تحولات بزرگی برای اصلاح جوامع بشری امید می‌رود.

۴. نتیجه‌گیری

ارزش عشق مربوط به آن حقیقتی است که متعلق عشق (معشوق) قرار گرفته است؛ ارزش عشق تابعی از ارزش معشوق است. هر چه معشوق متعالی‌تر باشد، عشق نیز متعالی‌تر خواهد بود. عشق ورزیدن رهایی و آزادی مطلق عاشق است از هر چیزی غیر از معشوق.

تمام توجه عاشق متمرکز بر معشوق است. وقتی معشوق مرکز توجهات عاشق قرار می‌گیرد، تمام زندگی و معنای حیات عاشق آکنده از معشوق خواهد بود (معشوق و منزلت آن معناگر زندگی عاشق است). در نتیجه، معنای زندگی عاشق تابعی است از ارزش معشوق.

تأثیرات متفاوت عشق حقیقی و مجازی بر معنای زندگی این گونه قابل احصا است: تجاذب طرفینی در عشق مجازی و جذب یکطرفه در عشق حقیقی؛ انحصارطلبی در عشق مجازی و سخاوتمندی در عشق حقیقی؛ محوریت «خود طبیعی عاشق» در عشق مجازی و محوریت «معشوق» در عشق حقیقی؛ بدبینی در عشق مجازی و زیبایی (و ارزش یافتن زندگی) در عشق حقیقی. البته این برداشت از این تمایزات که بگوییم پس از منظر علامه عشق مجازی پدیده‌ای صرفاً جسمانی، طبیعی و نازل است، چنان که بیان شد، صحیح نیست؛ عشق مجازی نیز می‌تواند مرتبه و شأنی از عشق حقیقی باشد.

نقش عشق در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر معنا بخشی به زندگی نیز قابل بررسی است. بین عشق و باورمندی به خدا در بحث معنای زندگی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. از سویی اعتقاد صحیح به خدا عشق حقیقی را در پی دارد، که زندگی را پرمعنا تر می‌کند؛ از دیگر سو، عشق حقیقی خود تقویت‌کننده باورمندی به خدا است، که هر چه این اعتقاد قوی‌تر شود، زندگی سرشارتر از معنا می‌گردد. نگاهی ویژه به رابطه هدف نهایی و اهداف نسبی و تأثیرش بر رابطه اقسام عشق وجود دارد، بدین نحو که چه بسا هدف فردی عشقی زمینی باشد، در همین حین، به حقیقتی بالاتر که همان عشق به ذات حقیقی است دست یابد. در نهایت با تحلیل آرای علامه جعفری، یک گام فراتر می‌توان نهاد که عشق مجازی، علاوه بر این که ابزاری برای ایصال به عشق حقیقی می‌تواند باشد، همچنین مرتبه، شأن و پرتویی از آن است.

عشق حقیقی از مجرای کمال نیز در زندگی حائز اهمیت فراوان است. در عشق حقیقی، عاشق در جاذبه کمال مطلق معشوق حقیقی قرار می‌گیرد و بدین سبب زندگی معنادارتری را می‌یابد. همین طور عشق و لذت در معنادهی به یکدیگر گره می‌خورند. هر چه عشق مجازی در مسیر عشق حقیقی پیش برود و شأنت بیشتری کسب کند، تبلور بیشتری در قالب لذات معنوی خواهد داشت و زندگی را شیرین‌تر و پرمعنا تر می‌سازد.

تناسب وثیقی وجود دارد بین «مرتبه وجودی انسان و سطح بهره او از کمال» با نوع و سطح محبت و عشقی که فرد مبتلا به آن می‌شود. اقتضای شخصیت حیوان محبت و عشق حیوانی است و اقتضای شخصیت انسان محبت و عشق انسانی و به تبع آن معنای

زندگی این افراد نیز متفاوت خواهد بود. در باب رابطه عشق و هنر و معنای زندگی، بر مبنای نظرات علامه جعفری، تصورات افراد از معنای زندگی می‌تواند هنرهای متفاوتی را تولید کند. اثر هنری‌ای که توأم با عشق حقیقی و حیات معقول گردد، منشأ تحولات مفید و تعالی در جامعه خواهد بود. خروجی این تدقیق و تفکیک را می‌توان در سینمای مبتنی بر سناریوهای عاشقانه در سینمای فعلی با محور عشق مجازی مشاهده نمود، که اگر این محوریت عشق مجازی در هنر با عشق حقیقی که با جنبه کمال طلب انسانی (و ارزش‌های والای انسانی و الهی) عجین‌تر است جایگزین شود، تحولات بزرگی برای اصلاح جوامع بشری امید می‌رود.

کتاب‌نامه

- ابن سینا، حسین ابن عبدالله. ۱۳۷۵. *الاشارات و التنبيهات*. قم: البلاغة.
- ابن سینا، حسین ابن عبدالله. ۱۳۷۹. *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*. مقدمه و تصحیح از محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین ابن عبدالله. ۱۳۸۳. *رساله نفس*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین ابن عبدالله. ۱۴۰۴ ق. *شفاء (الالهیات)*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- استیس، والتر ترنس. ۱۳۸۰. «در بی‌معنایی معنا هست». ترجمه اعظم پویا. نقد و نظر ۲۹-۳۰.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۵۸. *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج. ۴. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۶۱. *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج. ۱۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۶۸. *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج. ۱۰. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۹. *فلسفه و هدف زندگی*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۹-الف. *مولوی و جهان‌بینی‌ها*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۹-ب. *علل و عوامل جذابیت سخنان مولوی*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۹-ج. *حیات معقول*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۱. *عرفان اسلامی (مجموعه آثار ۱)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۲-الف. *تکاپوی اندیشه‌ها*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۲-ب. *بررسی افکار دیوید هیوم و برتراند راسل*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۳. معرفت‌شناسی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۴-الف. خلوت انس. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۴-ب. در محضر حکیم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۴-ج. حکمت، عرفان و اخلاق در شعر نظامی گنجوی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۵. جبر و اختیار. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۹. ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۸. غزلیات حافظ شیرازی. تهران: کتاب همراه.
- حسینی، مالک. ۱۳۹۸. عشق: چند رویکرد به یک مفهوم. تهران: هرمس.
- خدری، غلامحسین. ۱۳۹۳. «بررسی و تحلیل معناداری زندگی از دیدگاه علامه جعفری مبتنی بر انسان‌شناسی دینی». حکمت معاصر ۴.
- سلیمانی امیری، عسگری. ۱۳۸۲. «خدا و معنای زندگی». نقد و نظر ۳۱-۳۲.
- سینگر، اروینگ. ۱۳۹۹. فلسفه عشق. ترجمه میثم محمدامینی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- لاندوا، ایدو. ۱۳۹۹. یافتن معنا در دنیایی ناقص. ترجمه حسین فرخی و مارال لاریجانی. مشهد: ترانه.
- متس، تدئوس. ۱۳۹۶. «معنای زندگی». ترجمه هدایت علوی‌تبار. در در جستجوی خرد و آزادی: ارج‌نامه دکتر عزت‌الله فولادوند. تهران: مینوی خرد.
- ملاصدرا، صدرالمتألهین. ۱۳۵۴. المبدأ و المعاد. تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، صدرالمتألهین. ۱۳۶۰. الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية. تصحیح و تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- ملاصدرا، صدرالمتألهین. ۱۳۶۳. مفاتیح الغیب. مقدمه و تصحیح محمد خواجوی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۷۳. مثنوی معنوی. تصحیح توفیق سبحانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- نصری، عبدالله. ۱۳۹۶. آری‌گویی به زندگی (معنای زندگی از دیدگاه علامه جعفری و متفکران غرب). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نیگل، تامس. ۱۳۸۲. «پوچی». ترجمه حمید شهریاری. نقد و نظر ۲۹-۳۰.
- هلم، بنت. ۱۳۹۴. عشق (دانشنامه فلسفه استنفورد). ترجمه ندا مسلمی. تهران: ققنوس.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه، نک. ابن‌سینا (۱۳۷۹، ۴۸۷-۴۸۸؛ ۱۳۸۳، ۷۷-۷۹؛ ۱۳۷۵، ۳: ۳۳۷، ۱۴۰۴، ۴۲۴)، ملاصدرا (۱۳۶۳، ۵۸۶؛ ۱۳۶۰، ۲۵۰).

